

به نام خدای مهربان

طراحی شده
ویژه امتحان
نهایی ۱۴۰۳

بانک سؤالات امتحانی

پایه دهم

رشته تجربی و ریاضی

مجموعه کتاب‌های
پرسوال

عربجا ۱

با خیال راحت (۲۰) شو!

• وهاب اصغری

• ناظر محتوایی: مهراں ترکمان


هومان


مهروماه

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ:



ذاك هو الله (مرور قواعد متوسطة اول)

۶	درسنامه
۱۴	لغات
۱۵	سؤالات امتحانی
۹۲	پاسخنامه

الدَّرْسُ الثَّانِي:



المواعظ العددية (انواع عدد و معدود)

۲۰	درسنامه
۲۲	لغات
۲۴	سؤالات امتحانی
۹۳	پاسخنامه

الدَّرْسُ الثَّلَاث:



مطر السمك (اشكال افعال ۱)

۲۸	درسنامه
۲۹	لغات
۳۱	سؤالات امتحانی
۹۴	پاسخنامه

الدَّرْسُ الرَّابِع:



التعاليش السلمي (اشكال افعال ۲)

۳۵	درسنامه
۳۶	لغات
۳۸	سؤالات امتحانی
۹۵	پاسخنامه

الدَّرْسُ الْخَامِس:



هذا خلق الله (جملة فعلية و جملة اسميه)

۴۲	درسنامه
۴۵	لغات
۴۷	سؤالات امتحانی
۹۷	پاسخنامه

الدَّرْسُ السَّادِس:



ذو القرنين (فعل مجهول)

۵۱	درسنامه
۵۲	لغات
۵۴	سؤالات امتحانی
۹۸	پاسخنامه

الدَّرْسُ السَّابِع:



يا من في البحار عجائبه (جارومجرور و نون وقايه)

۵۹	درسنامه
۶۱	لغات
۶۲	سؤالات امتحانی
۹۹	پاسخنامه

الدَّرْسُ الثَّامِن:

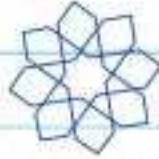


صناعة التلميع في الأدب الفارسی (اسم فاعل...)

۶۸	درسنامه
۶۹	لغات
۷۱	سؤالات امتحانی
۱۰۱	پاسخنامه



۷۶	آزمون‌های نوبت اول
۸۲	آزمون‌های نوبت دوم (شبه‌ساز نهایی)
۱۰۲	پاسخنامه



درسنامه قواعد درس سوم

اشکال الأفعال (1)

مشاوره: در درس‌های ۳ و ۴ با مبحث اشکال أفعال آشنا می‌شویم. البته من نمی‌دونم چرا اسم این درس رو گذاشتن «اشکال أفعال»؟! بهتر بود از همون اول اسمشو می‌ذاشتن «ثلاثی مزید» چونم براتون بگه که مهم‌ترین کاری که توی این دو تا درس دارید وزن شناسی و حفظ کردن جدول باب‌هاست. این دو تا کار رو بلد باشین، بقیه کارها حتماً قبل از ورود به مبحث اصلی درس، بهتر است با مفاهیم فعل بی‌مفعول و فعل مفعول‌پذیر آشنا بشیم.

معمولاً برای تشخیص این دو نوع فعل، از سؤال (چه چیز را؟) و (چه کسی را؟) استفاده می‌کنیم.

• **اشکال أفعال:** در زبان عربی، فعل‌ها بر اساس تعداد حروف اولین صیغه ماضی (صیغه اول ماضی = للغایب = سوم شخص مفرد)، به دو دسته مجرد و مزید تقسیم می‌شوند که أفعال مزید آهنگ و وزن ثابت و قابلیت حفظ کردن دارند.

بررسی فعل از نظر تعداد حروف اولین صیغه ماضی

① **ثلاثی مجرد:** سه حرف دارد و حرف زائد ندارد.

مثال: حَرَجَ، عَلِمَ، كَتَبَ و ...

② **ثلاثی مزید:** علاوه بر سه حرف اصلی، ۱ یا چند حروف زائد دارد.

مثال: اسْتَخْرَجَ، اجْتَهَدَ، كَاتَبَ و ...

نکته: أفعال ثلاثی مزید دارای ۸ سری وزن مشخص هستند که به هر سری از آن‌ها یک باب گفته می‌شود. که در درس‌های ۳ (این درس) و ۴ دهم با آن‌ها آشنا می‌شویم و حفظ کردن این وزن‌های فعلی و تعداد حروف زائدشان بسیار مهم است. (در جدول زیر باب‌های ثلاثی مزید را می‌خوانیم)

• **فعل بی‌مفعول (لازم):** فعلی است که به مفعول نیاز ندارد.

مثال: جَلَسَتْ فَاطِمَةُ عَلَى الْكُرْسِيِّ. (فاطمه روی صندلی نشست.)

(مفعول همان کسی یا چیزی است که کار روی آن انجام می‌شود.)

• **علی کتاب را آورد / ماشین‌ها را در خیابان دیدیم.**

• **فعل مفعول‌پذیر (متعدی):** فعلی است که به مفعول نیاز دارد.

مثال: كَتَبْتُ الْاِمْرَةَ الرَّسَالَةَ (مادر نامه را نوشت.)

حروف زائد	تعداد حروف زائد	مثال	کاربرد	مصدر (باب)	اولین امر	اولین مضارع	اولین ماضی
الف (همزه) / س / ت	۳	عَفَّرَ (مجرد): آمرزید اسْتَعْفَرَ: طلب آمرزش کرد	بیان درخواست و طلب	اسْتِفعال	اسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلُ
الف (همزه) / ت	۳	جَمَعَ (مجرد): جمع کرد اجْتَمَعَ: جمع شد	معمولاً (بی‌مفعول)	اِفْتعال	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلُ
الف (همزه) / ن	۲	كَسَرَ (مجرد): شکست انْكَسَرَ: شکسته شد	حتماً (بی‌مفعول)	انْفِعال	انْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	انْفَعَلُ
ت / تشدید (تکرار عین الفعل)	۲	عَلِمَ (مجرد): دانست تَعَلَّمَ: یاد گرفت	معمولاً (بی‌مفعول)	تَفْعَل	تَفْعَلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلُ

باب‌های مزید می‌روند. بلکه أفعال مزید، معنای متفاوتی نسبت به أفعال مجرد دارند.

مثال: حَرَجَ (خارج شد) ← استَخْرَجَ (استخراج کرد)

• حَرَجَ (خارج شد) ← تَخَرَّجَ (فارغ‌التحصیل شد)

• نَشَرَ (پخش شد) ← اِنْتَشَرَ (پخش کرد)

• جَمَعَ (منجمد کرد) ← اِنْجَمَدَ (منجمد شد)

• **تشخیص حروف زائد:** حروف زائد هر باب، بر اساس حروف اولین صیغه ماضی و تعداد آن مشخص می‌شود.

[تعداد حروف زائد = ۳ - (منهای) تعداد حروف اولین صیغه ماضی]

• **یک سؤال مهم:** آقا همون فعل‌های ثلاثی مجرد کافی نبودن؟ دلیل وجود فعل‌های ثلاثی مزید چیه؟

حتماً با توجه به مثال‌های جدول قبل، متوجه شده‌اید که کاربرد باب‌های ثلاثی مزید چیست و اصولاً فعل‌های مجرد چرا به

• **گام چهارم:** حالا با یافتن وزن فعل، بابش به راحتی مشخص می‌شود.
مثال: تَتَكَلَّمُونَ ← تَتَكَلَّمُ ← يَتَكَلَّمُ (ریشه: ک ل م) ← يَتَفَعَّلُ ← تَفَعَّلُ
 • تَنْتَشِرُونَ ← تَنْتَشِرُ ← يَنْتَشِرُ (ریشه: ن ش ر) ← يَفْتَعِلُ ← اِفْتَعَلَ
 • اِنْقَلَبْنَ ← اِنْقَلَبَ (امر) ← اِنْقَلَبَ (ریشه: ق ل ب) ← لِنَقَعَلْ ← اِنْفَعَلَ

• **تذکره:** دقت کنید که در باب تَفَعَّلُ، صیغه‌های (۲، ۳ و ۶) ماضی و امر کاملاً شبیه هم هستند و برای تشخیص‌شان باید به جمله نگاه کنیم:
 هما (ماضی: صحبت کردند) → تَكَلَّمَا ← أنتما (امر: صحبت کنید)
 هُم (ماضی: دانش آموختند) → تَفَقَّهُوا ← أنتم (امر: دانش بیاموزید)
 هُنَّ (ماضی: گرمی داشتند) → تَكْرَمْنَ ← أنتنَّ (امر: گرمی بدارید)

• **نکته:** ۱) اگر بین دو باب «افعال» و «انفعال» شک کردیم از قانون ۳ و ۲ نت ← اِفْتَعَلَ استفاده می‌کنیم. به این شکل که اگر حرف دوم و سوم کلمه مورد نظر «ن» و «ت» بود، باب افعال است وگرنه انفعال است.

• **مثال:** اِنْتِشَارُ / اِنْتِظَامُ / اِنْتِقَامُ / اِنْتِقَالُ / اِنْتِخَابُ / اِنْتِفَاعُ ← باب افعال
 • اِنْكَسَارُ / اِنْفِتَاحُ / اِنْشِرَاحُ / اِنْقِلَابُ / اِنْقِطَاعُ / اِنْفِجَارُ ← باب انفعال

• در شک بین باب افعال و استفعال، دقت کنید که صیغه اول ماضی باب افعال پنج حرف دارد ولی صیغه اول ماضی باب استفعال شش حرف دارد.

• **مثال:** اِسْتَمَعَ (پنج حرف) ← اِفْتَعَلَ / اِسْتَمَرَّ (شش حرف) ← اِسْتَفْعَلَ
 ۲) از دیگر معانی باب استفعال، «شمردن چیزی یا کسی است»

• **مثال:** اِسْتَحْقَرَّ (کوچک شمرد) / اِسْتَصْفَرَ (کوچک شمرد) / اِسْتَكْبَرَ (بزرگ پنداشت)

• با دیدن ساختار [يَتَّ، تَتَّ، اَتَّ، نَتَّ + تشدید] مطمئن می‌شویم که فعل از باب «تَفَعَّلُ» است. **مثال:** يَتَوَقَّفُ / تَتَعَرَّضُ / تَتَجَمَّدُ

• ابتدای فعل امر باب «تَفَعَّلُ»، الف یا همزه نمی‌گیرد.

• **تذکره:** باید بدانیم که منظور از اولین صیغه ماضی یا اولین صیغه مضارع، یعنی اینکه هر کدام از این افعال در ۱۴ صیغه صرف می‌شوند. نترسید! اگر صرف فعل ماضی و مضارع رو بلد باشید، این افعال هم با همان الگوها صرف می‌شوند.

به صرف یک نمونه فعل ماضی مزید از باب استفعال دقت کنید:

(۱) اِسْتَخْرَجَ / (۲) اِسْتَخْرَجَا / (۳) اِسْتَخْرَجُوا / (۴) اِسْتَخْرَجْتُمْ / (۵) اِسْتَخْرَجْتِ
 (۶) اِسْتَخْرَجْنَ / (۷) اِسْتَخْرَجْتِ / (۸) اِسْتَخْرَجْتُمَا / (۹) اِسْتَخْرَجْتُمْ / (۱۰) اِسْتَخْرَجْتِ
 (۱۱) اِسْتَخْرَجْتُمَا / (۱۲) اِسْتَخْرَجْتُنَّ / (۱۳) اِسْتَخْرَجْتُمْ / (۱۴) اِسْتَخْرَجْنَا

به صرف یک نمونه فعل مضارع از باب «تَفَعَّلُ» دقت کنید:

(۱) يَتَعَلَّمُ / (۲) يَتَعَلَّمَانِ / (۳) يَتَعَلَّمُونَ / (۴) تَتَعَلَّمُ / (۵) تَتَعَلَّمَانِ / (۶) يَتَعَلَّمْنَ
 (۷) تَتَعَلَّمُ / (۸) تَتَعَلَّمَانِ / (۹) تَتَعَلَّمُونَ / (۱۰) تَتَعَلَّمِينَ / (۱۱) تَتَعَلَّمَانِ /
 (۱۲) تَتَعَلَّمْنَ / (۱۳) اَتَعَلَّمُ / (۱۴) تَتَعَلَّمُ

و به صرف یک نمونه فعل امر مزید از باب «افعال» دقت کنید:

(۱) اِشْتَرِكْ - (۲) اِشْتَرِكَا - (۳) اِشْتَرِكُوا - (۴) اِشْتَرِكِي - (۵) اِشْتَرِكَا - (۶) اِشْتَرِكْنَ

روش تشخیص باب‌های ثلاثی مزید

یکی از چالش‌هایی که در این درس مطرح می‌شود، تشخیص باب کلمات است که روش آن را به‌طور کامل در اینجا برایتان توضیح می‌دهیم:

• **گام اول:** ابتدا حروف قبل و ضمائر انتهای فعل (پس از ریشه) را حذف می‌کنیم.
 (لا قَدْ، سَ، اِنْ، وَنَ، نَ، يَنْ، ثَمَّ، ثُمَّ و ...)

• **گام دوم:** اگر ماضی بود به آخر آن و اگر مضارع بود به آخر آن اضافه می‌کنیم و اگر امر و نهی بود ساکن می‌گذاریم.

• **گام سوم:** فعل باقی‌مانده را به صیغه اول می‌بریم.

لغات

ظَنَّنَ: گمان کرد	تَفْتِيشُ: بازرسی	اِبْحَثْ عَن: جست‌وجو کن
عَبَّرَ: از راه، از طریق	تَنَاوَلْ: خوردن	أَنَارَ: برانگیخت
عَن: درباره، از	تَلَجَّ: برف، یخ «جمع: تُلُوج»	اِحْتَفَلَ: جشن
عَرِيبٌ: عجیب	جَاهِزٌ: جابزه، آماده	اِحْتَفَلْ: جشن گرفت
فَقَدَ: از دست داد	جَوَازَاتُ (جَوَازُ السَّفَرِ): گذرنامه‌ها «مفرد: جَوَاز»	أَخَذَ: گرفت، برداشت، بُرد
قَصِيرٌ: کوتاه	جَيِّدٌ: خوب، به خوبی	أَذْعَ (دَعَا): بخوان، دعوت کن
لَاخِظٌ: ملاحظه کرد	حَاوَلْ: تلاش کرد	أَرْسَلَ: فرستاد
مِائَتَيْنِ، مِائَتِينَ: دویست	حَدَّثَ: اتفاق افتاد	أَزْهَرَ: شکوفه‌ها، گل‌ها «مفرد: زَهْرَةٌ»
مُجَفِّفَةٌ: خشک شده	حَسَنًا: بسیار خوب	اِسْتَعْفَزَ: آمرزش خواست
المُحِيطُ الأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس	خَيْرٌ: حیران کرد	أَسْمَاكٌ: ماهی‌ها «مفرد: سَمَكٌ»
مُرَافِقٌ: همراه	زَجَاءٌ: لطفا	أَصْبَحَ: شد، گشت
مُرْتَبِنٌ: دو بار	رُوحٌ: رحمت	إِعْصَارٌ: گردباد «جمع: أَعاصير»
مُرْحَبًا بِنِجْمٍ: خوش آمدید، درود بر شما	رِيَّاحٌ: بادها «مفرد: رِيح»	أَفْلامٌ: فیلم‌ها «مفرد: فِلمٌ»
مِشْمَشٌ: زردآلو	سَخَبَ: کشید	أَمْرِيكَا الأَوْسَطِيّ: آمریکای مرکزی
مَقْطَرُ السَّمَكِ: باران ماهی	سَقَى: نامید	أَمْطَرَ: باران بارید
مَقْرُوشٌ: پوشیده، فرش شده	سَنَوٌ: سالانه	اِنْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد، آگاه شد
مُمْتَدَّةٌ: ادامه‌دار، پیوسته	سَوْدَاءٌ: سیاه «مؤنثِ أَسْوَدٌ»	بَسَطَ: گستراند
مِهْرَجَانٌ: جشنواره	سُرْطِينٌ: پلیس	بِطَاقَةٌ: بلیت، کارت
مِيَاهٌ: آب‌ها «مفرد: ماء»	شَرَفٌ: مشرف فرمود، افتخار داد	بَعَدَ: دور شد
نُزُولٌ: پایین آمدن، بارش	صَدَّقَ: باور کرد	بَهَائِمٌ: چارباغان «مفرد: بَهِيمَةٌ»
نِيَامٌ: خفتگان	ضُورٌ: عکس‌ها، تصاویر «مفرد: صُورَةٌ»	تَرَى (رَأَى): می‌بینی
وَسْعٌ: توانایی	ظَلِخَ: پُختن	تَسَاقَطَ: پی‌درپی افتاد
	ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظَوَاهِرٌ»	تَعَرَّفَ عَلَيَّ: ... شناختن...

واژه‌های مترادف

• عظیم = کبیر (بزرگ)	• حسناً = جیداً (بسیار خوب)	• تَرَى = تُشَاهِد (می‌بینی / می‌بیند)
• مکان = محلّ (جا)	• خفلة = مهرجان (جشن)	• تُصْبِحُ = تُصْبِر (می‌شود / می‌شوی)
• وُسع = قُدرة (توانایی)	• خَيْرٌ = أَعْجَبَ (به تعجب انداخت)	• تَقْلُنُ = تَحْسَب (گمان می‌کنی / گمان می‌کند)
• يَبْشُرُ = يَنْشُرُ (می‌گستراند)	• سَقَطَ = وَقَعَ (افتاد)	• تَكَلَّمَ = تَحَدَّثَ (صحبت کرد)
• يُرْسِلُ = يَبْعَثُ (می‌فرستد)	• سنوات = أَعوام (سال‌ها)	• تَتَأَوَّلُ = أَكَل (خوردن)
		• حَاوَلَ = سَعَى (تلاش کرد)

واژه‌های متضاد

• نُزُول (پایین آمدن) ≠ ضُعُود (بالا رفتن)	• حَقِيقِي (حقیقی) ≠ خِيَالِي (خیالی)	• أَجَاب (پاسخ داد) ≠ سَأَلَ (پرسید)
• يَأْس (ناامیدی) ≠ زَجَاء (امیدواری)	• سُودَاء (سیاه) ≠ بِيضَاء (سفید)	• انْقَطَعَ (قطع شد) ≠ اِتَّصَلَ (وصل شد)
• تَفْقِدُ (از دست می‌دهد) ≠ يَكْسِبُ (به دست می‌آورد)	• طَوِيل (بلند) ≠ قَصِير (کوتاه)	• بَعِيد (دور) ≠ قَرِيب (نزدیک)
	• لَهَا (به سود او) ≠ عَلَيْهَا (ضد او)	• تُصَدِّقُ (باور می‌کنی) ≠ تُكْذِبُ (دروغ می‌پنداری)

جمع‌های مکسر

مصادر ← مصدر (محل صدور، منبع)	أزهار ← زهر (شکوفه)	أعاصير ← إعصار (گردباد)
أمطار ← مطر (باران)	أسماك ← سمك (ماهی)	الأهالي ← الأهل (ساکن)
نيام ← نائم (خوابیده)	صور ← صورة (تصویر)	بِقاع ← بُقعة (زمین)
أنوار ← نور (نور)	طلاب ← طالب، طَلَبَة (دانش آموز، دانشجو)	بِهائم ← بهيمة (چاربا)
أنواع ← نوع (جنس)	ظواهر ← ظاهرة (پدیده)	ثلوج ← ثلج (برف)
وجوه ← وجه (چهره)	علماء ← عالم (دانشمند)	جبال ← جبل (کوه)
أولياء ← ولي (دوست‌دار)	أفلام ← فلم (فیلم)	ذنوب ← ذنب (گناه)
الأيدي ← اليد (دست)	مياه ← ماء (آب)	رياح ← ریح (باد)

جملات و اصطلاحات مهم کتاب درسی

- «اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنِّيْزُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...»: خدا همان کسی است که بلاها را می‌فرستد و (بلاها) ابری را برمی‌انگیزند و (خدا) آن را در آسمان می‌گستراند.
- هل تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟: آیا باور می‌کنی که در روزی از روزها ماهی‌هایی را ببینی که از آسمان پی‌درپی می‌افتند؟!
- يلاحظ الناس غيمة سوداء ورياحاً قوتية ثم تُصبح الأرض مفروشة بالأسماك: مردم ابری سیاه و بادهای قدرتمندی را ملاحظه می‌کنند سپس زمین از ماهی‌ها پوشیده می‌شود.
- أرسلوا فريقاً للتعرف على الأسماك التي تتساقط على الأرض: تیمی را برای شناختن ماهی‌هایی که پی‌درپی بر زمین می‌افتند، فرستادند.
- ما ينس العلماء من معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة: دانشمندان از شناخت راز آن پدیدهٔ عجیب ناامید نشدند.
- مرحباً بكم. شرفتمونا: خوش آمدید. ما را مشرف فرمودید.
- «فاستغفروا لذنوبهم و من يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ»: پس برای گناهانشان طلب آمرزش کردند و چه کسی جز خداوند گناهان را می‌بخشد؟
- «فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»: پس بگو غیب فقط برای خداست پس منتظر باشید به درستی که من همراه شما از منتظران هستم.
- الناس نيام: فإذا ماتوا انتبهوا: مردم خفتگان اند (خوابند)، پس هرگاه بمیرند، بیدار شوند (بیدار می‌شوند)
- «فاصبر إن وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ»: پس صبر کن به درستی که وعدهٔ خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه.
- كان صديقي ينتظر والدة للرجوع إلى البيت: دوستم برای برگشتن به خانه انتظار پدرش را می‌کشید.
- «لَا يَنَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ»: جز گروه کافر کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود. / فقط گروه کافر از رحمت خدا ناامید می‌شود.
- «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»: با دانش و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به شیوه‌ای که بهتر است، گفت‌وگو کن.
- «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي»: پس مرا یاد کنید: تا شما را یاد کنم و مرا شکر کنید.
- «لَا يَكْتَلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: خدا به کسی جز به اندازهٔ توانش تکلیف نمی‌دهد.
- «لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ»: آن چه [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش است و آن چه [از بدی‌ها] کسب کرده، به زیانش است.



سؤالات امتحان

لغات

١) ترجم الكلمات التي تحتمها خط:

٣٥٨. فُتِّمِرَ الرِّيحُ سَحَابًا.

٣٥٩. هل تُصَدِّقُ كلامي؟

٣٦٠. لَيْسَ هَذَا فِلْمًا خِيَالِيًّا.

٣٦١. حَسَنًا فَانظُرِي إِلَيَّ.

٣٦٢. السَّمَاءُ تُمَطَّرُ ثُلُجًا.

٣٦٣. يَخْدُثُ مَطَرُ السَّمَكِ أَيْضًا.

٣٦٤. نُشَاهِدُ عَيْمَةَ سَوْدَاءَ.

٣٦٥. أَرْسَلُو فَرِيْقًا هُنَا.

٢) أكتب مفرد أو جمع الكلمات التالية:

٣٧٣. قِصَّةٌ: _____

٣٧٤. كُتِبَ: _____

٣٧٥. الْقَوْمُ: _____

٣٧٦. سُئِلَ: _____

٣٧٧. حِكْمَةٌ: _____

٣٧٨. الْمَوْعِظَةُ: _____

٣٧٩. نُفُوسٌ: _____

٣) عين الضحيح في المفرد أو الجمع:

٣٨٦. جمع «حَفَلَةٌ»: _____

٣٨٧. مفرد «الصفوف»: _____

٣٨٨. جمع «اللَّيْلِ»: _____

٣٨٩. مفرد «الأموات»: _____

٣٩٠. مفرد «الطُّلَّابِ»: _____

٣٩١. جمع «عَيْنٌ»: _____

٣٩٢. مفرد «الأَعْيُنِ»: _____

٣٩٣. مفرد «البِقَاعِ»: _____

٣٩٤. جمع «الْبَهَائِمِ»: _____

٣٩٥. مفرد «غُيُوبِ»: _____

٣٩٦. جمع «ذُنُبِ»: _____

٣٩٧. مفرد «المَصَادِرِ»: _____

٣٩٨. مفرد «الأسماك»: _____

٣٩٩. جمع «سَنَةٌ»: _____

٤٠٠. مفرد «ثُلُوجِ»: _____

٤٠١. جمع «ظَاهِرَةٌ»: _____

٤٠٢. مفرد «الأفلام»: _____

٣٦٦. الأسماكُ في المياهِ المجاوزةِ.

٣٦٧. يَغْتَمِرُ إعصارٌ شديدٌ.

٣٦٨. نَبْتَعِدُ مَسَافَةً مِثْلَى كيلومتر.

٣٦٩. ائْتَعِدُوا عَنِ الكَسْبِ.

٣٧٠. كَمْ عَدَدُ المُرَافِقِينَ؟

٣٧١. نحنُ جاهزونُ.

٣٧٢. أَحِبُّ مَهْرَجَانَ الأزهارِ.

٣٨٠. زُملاء: _____

٣٨١. رسائل: _____

٣٨٢. الصديق: _____

٣٨٣. البيت: _____

٣٨٤. الحقوق: _____

٣٨٥. نيام: _____

(ب) مَحَافِلُ

(ب) صَفَّ

(ب) اللَّيَالِي

(ب) مَاتَ

(ب) الطَّالِبَةُ

(ب) مُعِينٌ

(ب) المَعْنَى

(ب) البُقْعَةُ

(ب) البَهَائِمِ

(ب) غَيْبٌ

(ب) ذُنُوبٌ

(ب) التَّصْدِيرُ

(ب) السَّمَكَةُ

(ب) سَنَةٌ

(ب) ثَلِيجٌ

(ب) ظَوَاهِرُ

(ب) فِلمٌ

(الف) حَفَلَاتٌ

(الف) صِفَةٌ

(الف) اللَّيَالِي

(الف) مَاتَتْ

(الف) الطَّالِبِ

(الف) عُيُونٌ

(الف) العَيْنِ

(الف) البُقْعَةُ

(الف) البَهَائِمِ

(الف) غَيْبٌ

(الف) أذْنَابٌ

(الف) المَصْدَرُ

(الف) السَّمَكِ

(الف) سِنِينَ

(الف) ثَلْجٌ

(الف) تَظَاهِرُ

(الف) فِيلمٌ



۴ اُکُتِبَ المُرَادِفَاتِ وَ المُضَادَّاتِ (ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةً):

[مِهْرَجَان / سَوْدَاء / أَضْبَحَ / الزُّوْح / البَطَاقَةُ / نُزُولُ / الغَيْمِ / تَلْمِيذُ / طَالِبُ / الغَرِيبِ / لِسَانُ / ضَعُودُ / صَارَ / الرِّحْمَةُ / خَفَلَةُ / بِيضَاءُ / الشَّحَابُ]

..... = ۴۰۳

..... ≠ ۴۰۴

..... = ۴۰۵

..... = ۴۰۶

۵ ضَعُ فِي الْفَرَاغِ عِلَامَةً مُنَاسِبَةً (، = ، ≠):

۴۱۰. أَنْوَارٌ ○ أَضْوَاءٌ

۴۱۱. سَبِيلٌ ○ طَرِيقٌ

۴۱۲. لَهَا ○ عَلَيْهَا

۴۱۳. حَقٌّ ○ كِذْبٌ

۴۱۴. الِيسَارُ ○ الِيسَارُ

۴۱۵. الِيسَارُ ○ الشِّمَالُ

۴۱۶. حَقِيقَةٌ ○ خَيَالِيٌّ

۴۱۷. الِيسَارُ ○ العَالَمُ

۶ غَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّضَادِّ وَ التَّرَادُّفِ:

۴۱۸. مُتَضَادٌّ «بَسَطَ»:

۴۱۹. مُتَضَادٌّ «صَدَّقَ»:

۴۲۰. مُتَرَادِفٌ «بَعَدَ»:

۴۲۱. مُتَرَادِفٌ «هَلْ عِنْدَكُمْ؟»:

۴۲۲. مُتَضَادٌّ «مُخَفَّفَةٌ»:

۴۲۳. مُتَرَادِفٌ «عَبَّرَ» فِي جُمْلَةٍ «وَرَأَيْنَا الشَّاطِئَ عَبَّرَ الطَّرِيقَ»:

۴۲۴. مُتَرَادِفٌ «نَفْسًا»:

۴۲۵. مُتَرَادِفٌ «كِتَابًا»:

(ب) شَرَّخَ

(ب) كَذَّبَ

(ب) إِقْتَرَبَ

(ب) أَمِنْتُمْ؟

(ب) مَرَطُوبٌ

(ب) لَهُ

(ب) شَيْئًا

(ب) مَكَاتِبَةً

(الف) جَمَعَ

(الف) كَذَّبَ

(الف) قَرَّبَ

(الف) هَلْ لَدَيْكُمْ؟

(الف) رُطُوبَةٌ

(الف) فِي

(الف) أَحَدًا

(الف) مَكْتُوبٌ

۷ غَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى:

۴۲۶. مَطَرٌ - مَطَارٌ - أَمَطَارٌ - إِمَطَارٌ:

۴۲۷. الْمُحِيطُ - الْمِيَاهُ - الشَّهْرُ - الْغَيْمُ:

۴۲۸. طَبِيعِيًّا - شَهْرِيًّا - سَنَوِيًّا - يَوْمِيًّا:

۴۲۹. الْجَوَازَةُ - الْبَطَاقَةُ - الْمَطَارُ - الْمَاطِرَةُ:

۴۳۰. مَجَلَّةٌ - مُعْجَمٌ - إِنْتَرْنِتٌ - مِشْمُوشٌ:

ترجمة جملات

۸ اُتْرَجِمِ الْجُمْلَةَ وَ الْعِبَارَاتِ النَّالِيَةَ:

۴۳۱. لَا تُصَدِّقْ مَطَرَ السَّمَكِ.

۴۳۲. يُمَكِّنُ أَنْ تُرَى ظَاهِرَةً.

۴۳۳. أَظُنُّ أَنْ تُخْرَجَ مِنَ الْعُرْفَةِ.

۴۳۴. حَسَنًا، فَادْهَبِي هُنَاكَ حَتَّى تُعَلِّمِي.

۴۳۵. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ «مَطَرَ السَّمَكِ».

۴۳۶. كَانَتْ تُحَيِّرُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ.

۴۳۷. عَسَى أَنْ يَخْدُتَ سَنَوِيًّا.

۴۳۸. تُضْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ بَعْدَهُ.

۴۳۹. فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْنِجِهَا وَ تَنَاوُلُهَا.

۴۴۰. حَاوَلِ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ.

۴۴۱. لَكِنَّ الْغَرِيبَ فِي الْأَمْرِ نَوْعَ الْأَسْمَاكِ.

۴۴۲. يَخْدُتُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكَ إِلَى السَّمَاءِ.

۴۴۳. عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَى الْأَرْضِ.

۴۴۴. يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُوْرَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا.

۴۴۵. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟

۴۴۶. مَرَافِقِينَا أَرْبَعَةٌ: وَالدَّايِ وَ الْوَادِي.



٩. اِنْتِخِبِ الشَّرْحَةَ الصَّحِيحَةَ:

٤٤٧. وَلَا تَيَاسُونَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ.
 الف) و از رحمت خدا ناامید نشوید.
 ب) و از رحمت خدا ناامید نمی شوید.
٤٤٨. جَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ.
 الف) با آنان به روشی که نیکوتر است گفت و گو کن.
 ب) با نیکوترین روش با ایشان گفت و گو کن.
٤٤٩. فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ.
 الف) پس مرا یاد کنید که من هم شما را یاد می کنم.
 ب) پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم.
٤٥٠. عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ.
 الف) آن چه کسب کرده به ضررش است.
 ب) بر او واجب است چیزی که کسب نکرده است.
٤٥١. كَانَ صَدِيقِي يَنْتَظِرُ وَالِدَهُ.
 الف) دوستم منتظر پدرش می باشد.
 ب) دوست من انتظار پدرش را می کشید.
٤٥٢. فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا.
 الف) هرگاه مردند، بیدار شدند.
 ب) وقتی بمیرند، بیدار خواهند شد.
٤٥٣. مَزْحَبًا بِكُمْ. شَرَفْتُمُونَا.
 الف) خوش آمده و ما را مشرف فرمودید.
 ب) حالتان چطور است؟! ما را خوشحال کردید.
٤٥٤. تَعَلَّمُوا ذُرُوسَكُمْ.
 الف) درس هایتان را آموزش دهید.
 ب) دروستان را بیاموزید.
٤٥٥. لَا تَنْسَجِبُوا عَنْ آدَاءِ وَاجِبِكُمْ.
 الف) از انجام تکالیفتان دوری نکنید.
 ب) از انجام تکلیفتان عقب نشینی نکنید.
٤٥٦. كَأَنَّ السَّمَاءَ تُفَطِّرُ الْأَسْمَاكَ.
 الف) انگار آسمان، ماهیان را می بارد.
 ب) گویی این آسمان ماهی هایی را می باراند.

١٠. اكْمِلِ التَّرْجُمَةَ:

٢٥٧. رَجَاءٌ إِجْعَلُنْ جَوَازًا تَكُنْ فِي أَيْدِيكَنَّ.
 گذرنامه هایتان را در قرار بدهید (بگیرید).
٢٥٨. تَعَيْشُ الْأَسْمَاكِ فِي النَّهْرِ وَالْبَحْرِ وَلَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
 ماهی ها در و زندگی می کنند و انواع
٢٥٩. وَ اضْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ.
 و بر آن چه می گویند و آن ها را
٢٦٠. فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ.
 پس برای استغفار و چه کسی جز خداوند
٢٦١. أَنَا وَ زَمِيلِي اسْتَلَمْنَا رَسَائِلَ غَيْرِ الْإِنْتَرْنِتِ.
 من و هم کلاسی ام از طریق اینترنت

١١. تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَةَ:

٤٦٢. لَا تُصَدِّقِي؛
 ٤٦٣. مَا كَانَ يَتَسَاقَطُ؛
 ٤٦٤. مَا ظَنَّ؛
 ٤٦٥. لَا يُمَكِّنُ؛
 ٤٦٦. فَانْطَلَرْنَ؛
٤٦٧. حَتَّى لَا تُصَدِّقِي؛
 ٤٦٨. سَيُشَاهِدُونَ؛
 ٤٦٩. حَيَّرْنَا؛
 ٤٧٠. كَانَتْ تُمَطِّرُ؛
 ٤٧١. يُضِيحَانِ؛
٤٧٢. مَا أَرْسَلْتُ؛
 ٤٧٣. لَا تُشَخِّبُوا؛
 ٤٧٤. اِحْتَفَلَا؛
 ٤٧٥. يُسْمُونَ؛
 ٤٧٦. لَا تُفْقِدَانِ؛



قواعد

۱۲) مَبْرُؤُ الْأَفْعَالِ الْمَجْرُودَةِ وَالْأَفْعَالِ الْمَزِيدَةِ:

[تَعَرَّفْنَا / يَخْتَفِلُونَ / يَبْغُدُ / حَاوَلْنَا / يُحَدِّثُ / أَنْظَرِي / يَكُونَانِ / تَبْسُطُ]

۴۷۷. ثلاثي مجرد: _____, _____, _____

۴۷۸. ثلاثي مزيد: _____, _____, _____

۱۳) أَكْتُبْ مَا طَلِبَ مِنْكَ:

۴۷۹. ضمير «تَرَأَيْنَا»:

۴۸۰. ضمير «أَنْصَدُّقِي»:

۴۸۱. ضمير «سَتَخْتَفِلِينَ»:

۴۸۲. ضمير «اسْتَمَعْنَا»:

۴۸۳. ضمير «أَسْتَكْبِرُ»:

۴۸۴. ضمير «يَبْتَسِمُنَّ»:

۴۸۵. ضمير «لَا تُنْسَجِبَا»:

۴۸۶. ضمير «تَعَلَّمْتَ»:

۴۸۷. ضمير «يَتَعَجَّبَانِ»:

۴۸۸. ضمير «قَدْ تَسْرَفْتُنَّ»:

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

ریشه: _____ باب: _____ تعداد حروف زائد: _____

۱۴) تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ وَالْأَفْعَالِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ:

۴۸۹. جَلَسَ:

۴۹۰. أَجْلَسْتُ:

۴۹۱. جَالَسْتُ:

۴۹۲. خَرَجَ:

۴۹۳. أَخْرَجْتُمُ:

۴۹۴. تَخَرَّجَ:

۴۹۵. سَتَسْتَخْرِجِينَ:

۴۹۶. قِيلَ:

۴۹۷. أَقْبَلَ:

۴۹۸. قَاتِلُوا:

۴۹۹. اسْتَقْبَلْنَا:

۵۰۰. قَتَلَ:

۵۰۱. قَاتِلُوا:

۵۰۲. جَمَعَ:

۵۰۳. اجْتَمَعْنَا:

۵۰۴. كَتَبَ:

۵۰۵. كَاتَبْتُ:

۵۰۶. صَدَّقَ:

۵۰۷. صَادَقْتُمَا:

۵۰۸. صَدَّقِي:

۵۰۹. تَتَصَدَّقُونَ:

۵۱۰. عَلِمَ:

۵۱۱. لَا يَعْلَمُونَ:

۵۱۲. وَصَلَ:

۵۱۳. أَوْصَلْتُنَّ:

۱۵) عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

۵۱۴. هَلْ أَنْ تَرَى مُهَاجِمًا فِي الْمَرْمَى؟ (تَضُدُّقِي / تُصَادِقِي / تُضَدُّقِي)

۵۱۵. النَّبَاتُ الْأَسْمَاكُ إِلَى السَّمَاءِ. (يَسْحَبُ / يَنْسَجِبُ / تَنْسَجِبُ)

۵۱۶. الطَّلَابُ خُلِقَ مَعْلَمِيهِمْ. (سَيُعَلِّمُ / سَيُعَلِّمُونَ / سَيُعَلِّمُونَ)

۵۱۷. الْمُؤْمِنَاتُ اللَّهُ لِذُنُوبِهِنَّ. (تَغْفِرُنَّ / تَسْتَغْفِرْنَ / يَسْتَغْفِرْنَ)

۵۱۸. أَنْ جَمَعَ الْأَسْمَاكُ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ. (وَجَدُوا / أَوْجَدُوا / أَوْجَدْنَا)

۱۶) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ:

۵۱۹. إِخْرَاجٌ - تَعْظِيمٌ - تَوْكُلٌ - تَعَلُّمٌ:

۵۲۰. يَخْرُجُ - تَخْرُجِينَ - نُخْرِجُونَ - أَخْرَجَ:

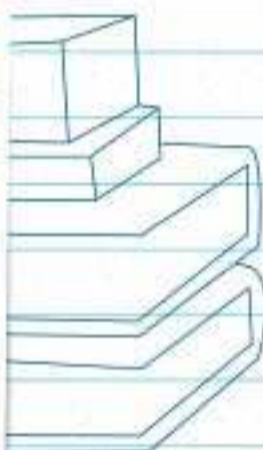
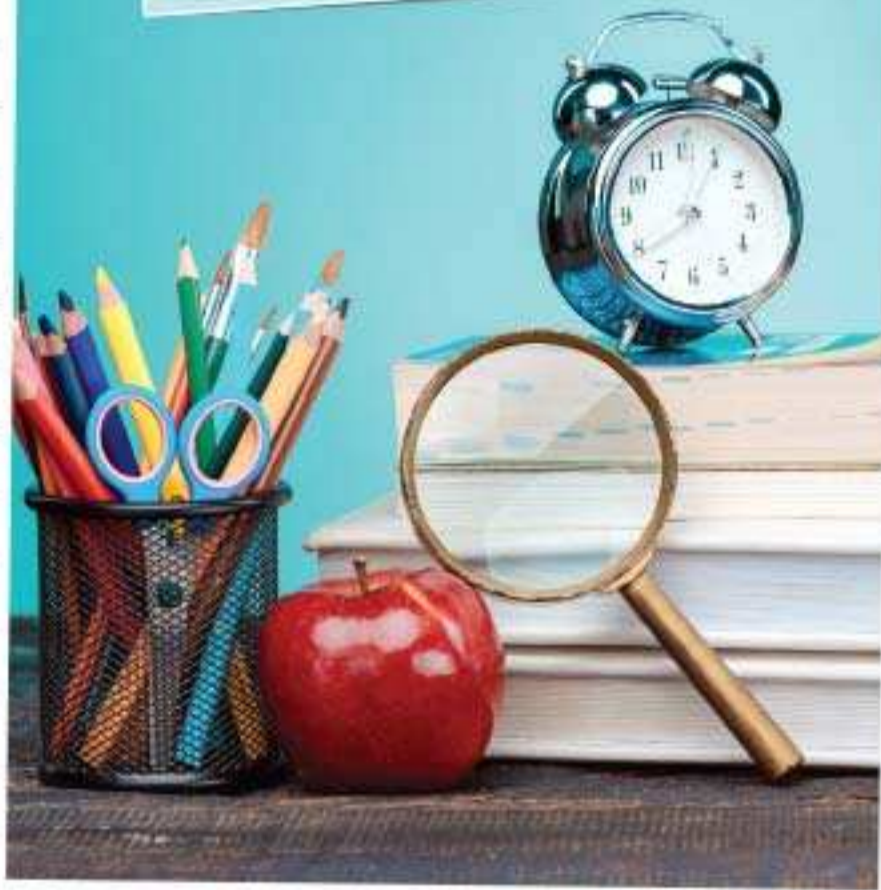
۵۲۱. تَعَلَّمَ - يَعْلَمُ - أَنْزَلَ - تَوْكَلُ:

۵۲۲. انْتِشَارٌ - انْتِطَبَاقٌ - انْتِكَسَارٌ - انْتِشَاحٌ:

۵۲۳. اسْتِسْلَامٌ - اسْتِكْبَارٌ - اسْتِعْمَارٌ - اسْتِمْعَاعٌ:

بخش دوم

آزمون‌ها





سؤالات امتحانی نوبت اول		تألیفی
ردیف	سؤالات	نمره
۱	ترجم المفردات التي تحتمل خطأ: ۱- يتجلى اتحاد الأمة في صور كثيرة. ۲- الشعب الإيراني شعب مضياف.	۰/۵
۲	اكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين والكلمتين المتضادتين (كلمتان زائدتان): (خفلة - صار - ضعود - مهبجان - نزول - تسرور) ۱- ≠ ۲- =	۰/۵
۳	اكتب مفرد أو جمع الكلمتين: ۱- تبايع (مفرد): ۲- عميل (جمع):	۰/۵
۴	عین اللفظة الغريبة في المعنى: ۱- شتوتاً <input type="checkbox"/> سلمياً <input type="checkbox"/> شهرياً <input type="checkbox"/> نومياً <input type="checkbox"/> ۲- الغيم <input type="checkbox"/> المقطر <input type="checkbox"/> الثلج <input type="checkbox"/> الوجع <input type="checkbox"/>	۰/۵
۵	ترجم العبارات إلى الفارسية: ۱- فيلاحظ الناس غيمة سوداء عظيمة. ۲- لا تجوز الإصرار على نقاط الخلاف وعلى الغدوان. ۳- أمسكت الله عنده تسعة وتسعين جزءاً من الزحمة. ۴- ما أجمل غابات مازندران وطبيعتها جداً.	۳
۶	انتخب الترجمة الصحيحة: ۱- فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب إلا الله. <input type="checkbox"/> الف) برای گناهانشان آمرزش خواستند و چه کسی جز خدا گناهان را می آمرزد. <input type="checkbox"/> ب) برای گناهانتان آمرزش بخواهید و فقط خداوند است که گناهان را می بخشد. ۲- هل تصدق أن تزي أسماكاً تتساقط من السماء؟ <input type="checkbox"/> الف) آیا باور می کند که ببیند ماهی ها از آسمان بی دربی افتاده اند؟ <input type="checkbox"/> ب) آیا باور می کنی که ببینی ماهی هایی را که بی دربی از آسمان می افتند؟	۰/۵
۷	كمل الفراغات في الترجمة الفارسية: ۱- لقد كانت رسالة الإسلام على من العصور قائمة على أساس المنطق و اجتناب الإساءة. رسالت اسلام در بر اساس منطق و دوری کردن از بدی بوده است. ۲- ليس العلماء من معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة. دانشمندان از راز آن پدیده عجیب ۳- رب اشرك لي صدري و تبتز لي امرى. پروردگارا را برایم بگشای و کارم را برایم	۱/۵
۸	ترجم الأفعال التالية: ۱- ما كتبتم تمارينكم: ۲- استغفروا من ذنوبكم: ۳- إننا سوف نكتب صديقاتنا: ۴- كان يبحث عن حقيته: ۵- انقطع المطر: ۶- لا تجالسوا الأشرار:	۱/۵
۹	ضع في الفراغ كلمة مناسبة: (جالس - يستخدمون - اشتراك - أحسن - لاتذهبي - شيسر) فعل الامر فعل المضارع فعل الماضي مصدر	۱



تأليفى		سؤالات امتحانى نوبت اول		
تاريخ: / /	مدت امتحان: ٨٥ دقيقه	رشته: رياضى - تجربى	درس: عربى (د هـم)	

ردیف	سؤالات	نمره
١٠	أكتب الجواب الصحيح: ١- مضارع من فعل (فَرَحُوا): ٢- ماضى من (نَجَّالِسُ): ٣- مصدر فعل (لا تَتَفَكَّرِي):	٠/٧٥
١١	عَيِّن الكلمة التي تختلف نوعه في كل مجموعة: ١- <input type="checkbox"/> تَعَرَّفَ <input type="checkbox"/> تَعَارَفَ ٢- <input type="checkbox"/> اسْتِخْرَاج <input type="checkbox"/> اجْتِهَاد ٣- <input type="checkbox"/> قَابِل <input type="checkbox"/> أَيْمَلُ ٤- <input type="checkbox"/> يَعْتَرِفُ <input type="checkbox"/> تَحْسِين	٠/٥
١٢	عَيِّن المناسب للفراغ: ١- نحنُ رسائل غير الإنترنت أمس. ٢- سوف التلاميذُ من القاعة بعد الامتحان. ٣- <input type="checkbox"/> نَسْتَلِمُ <input type="checkbox"/> سَنَسْتَلِمُ <input type="checkbox"/> اسْتَلَمْنَا ٤- <input type="checkbox"/> يَخْرُجُ <input type="checkbox"/> يَخْرُجُونَ <input type="checkbox"/> يُخْرِجُ	٠/٥
١٣	إِنبِخِبِ الجواب الصحيح: ١- من أنثما أيها الرجلان؟ شريطين. ٢- أولئك التلاميذُ من المسابقة الآن. ٣- في كلِّ شهرٍ ثلاثون ٤- في الأسبوع أيام. ٥- <input type="checkbox"/> أَنَا <input type="checkbox"/> نَحْنُ <input type="checkbox"/> هُنَّ ٦- <input type="checkbox"/> زَجَعَن <input type="checkbox"/> تَرَجَعُونَ <input type="checkbox"/> يَرْجِعُونَ ٧- <input type="checkbox"/> سَنَةٌ <input type="checkbox"/> يَوْمًا <input type="checkbox"/> اسبوعًا ٨- <input type="checkbox"/> سَبْعَةٌ <input type="checkbox"/> ثَلَاثَةٌ <input type="checkbox"/> أَرْبَعَةٌ	١
١٤	أكتب جواب العمليات الحسابية، ثم أكتبها بالرقم: سنة في ثلاثة عشر يساوي بالرقم:	٠/٥
١٥	أكتب الساعة: ١- الساعة السابعة الأربعة: ٢- ١٠:٠٧:١٠: ٣- الساعة السابعة الأربعة:	٠/٥
١٦	ضع هذه التراكيب في مكانها المناسب (تركيب زائد): (أولئك التلميذات - هذه الأسماك - هم المؤمنون - هاتان الرجاءتان - هذان الدليلان) جمع مذكر سالم مثنى مؤنث جمع مكسر جمع مؤنث سالم	١
١٧	أكتب في الفراغ عدداً مناسباً: ١- اليومُ من أسبوع يوم الخميس. ٢- الفصلُ في السنة فصل الخريف.	٠/٥
١٨	ضع في الدائرة مناسباً (كلمة زائدة): ١- الغيم ٢- المِشْمِش ٣- اللَّيْل ٤- الفُسْتَان ٥- الضَّف ٦- <input type="checkbox"/> من الملابس البسائية ذات الألوان المختلفة. ٧- <input type="checkbox"/> يدرُس فيه الطُّلابُ. ٨- <input type="checkbox"/> بخارٌ مُتراكِمٌ في السماء ينزل منه المطرُ. ٩- <input type="checkbox"/> فأكبه يا كلها الناسُ مخففةً أيضاً.	١
١٩	عين الصحيح وغير الصحيح حسب الواقع (ص/غ): ١- <input type="checkbox"/> الإعصار ربيع شديدة تنقل من مكان إلى مكان آخر. ٢- <input type="checkbox"/> الثلج نوع من أنواع نزول الماء من السماء ينزل على الجبال فقط.	٠/٥
٢٠	عين المطلوب منك في الجملة التالية: «على كل الناس أن يتعاشروا مع بعضهم تعاشراً سلمياً» حرف: فعل: تركيب وصفي: تركيب اضافي:	١



سؤالات امتحانی نوبت اول		تألیفی
ردیف	سؤالات	نمره
۲۱	أجِبْ عَنِ السُّؤَالِ: مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ وَكَيْفَ حَالُكَ؟	۰/۵
۲۲	رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ اكْتُبْ سؤَالَ وَجَوَابًا صَحِيحًا: (عدد - و - سئلة - والِدائِ - المرافِقين - أختائِ - و - كم - أخوای - ۲ -) سؤال:؟ پاسخ:	۰/۷۵
۲۳	سؤالات چهار گزینه‌ای: گزینه درست را با ذکر دلیل بنویسید: «عندما كنا نشاهد السماء وجدنا الشمس مُسْتَعْرَةً فِي قَلْبِهَا.» <input type="checkbox"/> ۱- وقتی آسمان را مشاهده می‌کردیم، در قلب آن خورشید فروزان را پیدا کردیم. <input type="checkbox"/> ۲- در حالی که آسمان را می‌دیدیم، خورشید را در مرکز آن، فروزان یافتیم. <input type="checkbox"/> ۳- خورشید فروزان را در دل آسمان‌ها پیدا کردیم، وقتی به آن نگاه کردیم. <input type="checkbox"/> ۴- زمانی که آسمان را مشاهده می‌کردیم، در دل آن، خورشید را فروزان یافتیم.	۰/۲۵
۲۴	عَيِّنِ الْخَطَأَ: <input type="checkbox"/> ۱- هُوَ لِآلِ التَّلَامِيذِ الْمَرَضِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْمُسَاعَدَةِ: اَيْنَ دَانِشْ أَمُوزَانِ بِيْمَارِنْدِ وَ نِيَا زَمِنْدِ كَمَكِ هَسْتِنْدِ. <input type="checkbox"/> ۲- أَنْعَمُ اللهُ الْبَالِغَةَ مُنْتَشِرَةً فِي كُلِّ الْأَرْضِ: نَعْمَتِ هَايِ كَامِلِ خِدَاوِنْدِ، دَرِ هَمَةُ زَمِينِ پِرَا كِنْدِهْ اسْتِ. <input type="checkbox"/> ۳- كُنَّا نَسْمَعُ صَوْتَ الْقَطِيرِ مِنْ نَافِذَتِنَا هَذِهِ: صِدَايِ پِرِنْدِگَانِ رَا اَزِ اَيْنِ پَنجِرِهْ مَانِ مِي شَنِيدِيمِ. <input type="checkbox"/> ۴- كُنْتُ أَظُنُّ أَنْ أُمِّي طَبَخَتْ هَذِهِ الْحَلْوَى: گِمَانِ مِي كَرْدَمِ كِهْ مَادَرَمِ اَيْنِ شِيرِينِي رَا پَخْتِهْ اسْتِ.	۰/۲۵
۲۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ صِيَاغَةِ الْأَفْعَالِ: <input type="checkbox"/> ۱- أَنْتَ تَرَحِمُ مَنْ يَعْيشُ فِي الْأَرْضِ. <input type="checkbox"/> ۲- أَنْتَ تَنْظُرُونَ فِي دَرُوسِكُنَّ قَلِيلًا. <input type="checkbox"/> ۳- أَنْتُمْ حَصَدْتُمْ مَا زَرَعْتُمْ فِي حَيَاتِكُمْ. <input type="checkbox"/> ۴- نَحْنُ لَا نَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ.	۰/۵
۲۶	عَيِّنِ الْخَطَأَ عَنِ أَبْوَابِ الْأَفْعَالِ: <input type="checkbox"/> ۱- انصرفت إلى المكتبة حتى أتذكر صدیقی ← انفعال / تفعل <input type="checkbox"/> ۲- أضبخت الأرض مخصرة وحاولت للزرع ← إفعال / ففعال <input type="checkbox"/> ۳- واعتصموا بحبل الله حتى لا تتفرقوا ← إفتعال / تفعل <input type="checkbox"/> ۴- الأمور تنتظم بفضل مديرٍ يحبنا ← إفتعال / تفعيل	۰/۵
۲۰	«أرجو لكم التوفيق» جمع نمره	

پاسخ سوالات درس «۳»

۲۵۸. بر می‌انگیزد	۲۸۵. نایم
۲۵۹. باور می‌کنی، باور می‌کند	۲۸۶. الف
۲۶۰. فیلم	۲۸۷. ب
۲۶۱. بسیار خُب	۲۸۸. ب
۲۶۲. می‌بارد	۲۸۹. الف
۲۶۳. رُخ می‌دهد	۲۹۰. الف
۲۶۴. ابر	۲۹۱. الف
۲۶۵. گروه	۲۹۲. الف
۲۶۶. آب‌ها	۲۹۳. ب
۲۶۷. گردباد	۲۹۴. الف
۲۶۸. ۲۰۰ کیلومتر	۲۹۵. ب
۲۶۹. تنبلی	۲۹۶. ب
۲۷۰. همراهان	۲۹۷. الف
۲۷۱. آماده‌ها	۲۹۸. الف
۲۷۲. شکوفه‌ها	۲۹۹. الف
۲۷۳. قصص	۳۰۰. الف
۲۷۴. کتاب	۳۰۱. ب
۲۷۵. الأقوام	۳۰۲. ب
۲۷۶. سبیل	۳۰۳. مهرجان = حفلة (جشن)
۲۷۷. حکم	۳۰۴. سَوْدَاء (سیاه) ≠ بَيْضَاء (سفید)
۲۷۸. المَوَاعِظ	۳۰۵. أَصْبَحَ = صَارَ (شد)
۲۷۹. نفس	۳۰۶. الرُّوح = الرِّحْمَة (مهربانی)
۲۸۰. زَمِيل	۳۰۷. نُزُول (پایین آمدن) ≠ صُعُود (بالرفتن)
۲۸۱. رِسَالَة	۳۰۸. الغَيم = السَّحَاب (ابر)
۲۸۲. الأَصْدِقَاء	۳۰۹. تَلْمِيزٌ = طَالِب (دانش آموز)
۲۸۳. البُيُوت	۳۱۰. أنوار = أضواء (نورها)
۲۸۴. الحَقِّق	۳۱۱. سَبِيل = طریق (راه)
۳۱۲. لَهَا (به نفعش، برایش) ≠ عَلَيْهَا (بر علیه او)	۳۱۲. حَقِّق (حقیقت) ≠ كَذِب (دروغ)
۳۱۳. حَقِّق (حقیقت) ≠ كَذِب (دروغ)	۳۱۴. الیَمِین (راست) ≠ الِیسَار (چپ)
۳۱۴. الیَمِین (راست) ≠ الِیسَار (چپ)	۳۱۵. الِیسَار = الشِّمَال (چپ)
۳۱۵. الِیسَار = الشِّمَال (چپ)	۳۱۶. حَقِيقَة (حقیقی) ≠ خَيَالِي (تخیلی)
۳۱۶. حَقِيقَة (حقیقی) ≠ خَيَالِي (تخیلی)	۳۱۷. السَّنَة = العام (سال)
۳۱۷. السَّنَة = العام (سال)	۳۱۸. الف جمع کرد
۳۱۸. الف جمع کرد	۳۱۹. ب تکذیب کرد
۳۱۹. ب تکذیب کرد	۳۲۰. ب نزدیک شد
۳۲۰. ب نزدیک شد	۳۲۱. الف آیا دارید؟
۳۲۱. الف آیا دارید؟	۳۲۲. ب خیس و نم‌دار
۳۲۲. ب خیس و نم‌دار	۳۲۳. الف در
۳۲۳. الف در	۳۲۴. ب کسی
۳۲۴. ب کسی	۳۲۵. الف نامه نگاری کردن
۳۲۵. الف نامه نگاری کردن	۳۲۶. مَطَار = فرودگاه (مَطَر = باران / أَمطار = باران‌ها / إِمطار = بارانیدن یا باریدن)
۳۲۶. مَطَار = فرودگاه (مَطَر = باران / أَمطار = باران‌ها / إِمطار = بارانیدن یا باریدن)	۳۲۷. الغَيم = ابر (المحيط = اقیانوس / المِیاء = آب‌ها / التَّهْر = رودخانه)
۳۲۷. الغَيم = ابر (المحيط = اقیانوس / المِیاء = آب‌ها / التَّهْر = رودخانه)	۳۲۸. طَبِيعَتاً = طبیعی (شهرتاً = ماهانه / سنوياً = سالانه / یومیاً = روزانه)
۳۲۸. طَبِيعَتاً = طبیعی (شهرتاً = ماهانه / سنوياً = سالانه / یومیاً = روزانه)	۳۲۹. المَاطِرَة = بارانی (الجوازَة = گذرنامه / البطاقة = بلیط / المَطَار = فرودگاه)
۳۲۹. المَاطِرَة = بارانی (الجوازَة = گذرنامه / البطاقة = بلیط / المَطَار = فرودگاه)	۳۳۰. مَشْمِش = زردآلو (مَجْلَة = مجله / مُعْجَم = واژه‌نامه / إِنْتَرْنِت = اینترنت)
۳۳۰. مَشْمِش = زردآلو (مَجْلَة = مجله / مُعْجَم = واژه‌نامه / إِنْتَرْنِت = اینترنت)	۳۳۱. باران ماهی را باور نمی‌کنیم.
۳۳۱. باران ماهی را باور نمی‌کنیم.	۳۳۲. ممکن است که پدیده‌ای را ببینی (ببیند).
۳۳۲. ممکن است که پدیده‌ای را ببینی (ببیند).	

۲۹۱. ب «أَجْرُهُنَّ» = پاداششان / «سَبْع» هفت (چیز)	۲۹۲. الف «أَمْسَكَ» نگه داشت
۲۹۲. الف «أَمْسَكَ» نگه داشت	۲۹۳. ب «تَرَاحُمُ» با هم مهربانی می‌کنیم
۲۹۳. ب «تَرَاحُمُ» با هم مهربانی می‌کنیم	۲۹۴. ب «طَعَام الْوَاحِد» = غذای یک نفر / «الطَعَام الْوَاحِد» = یک غذا
۲۹۴. ب «طَعَام الْوَاحِد» = غذای یک نفر / «الطَعَام الْوَاحِد» = یک غذا	دقت کنید! «ال» چقدر معنای یک کلمه را می‌تواند تغییر دهد.
۲۹۵. ب «أَعْلَى ... بِ» = پایینند بودن و التزام	۲۹۶. ب ۶۹ تهر
۲۹۶. ب ۶۹ تهر	۲۹۷. الف «أَرْبَعَة وَتِسْعُونَ فِي مِئَة» = ۹۴ ضربدر ۱۰۰
۲۹۷. الف «أَرْبَعَة وَتِسْعُونَ فِي مِئَة» = ۹۴ ضربدر ۱۰۰	۲۹۸. به پا دارید
۲۹۸. به پا دارید	۲۹۹. یاری نکن (ای زن)
۲۹۹. یاری نکن (ای زن)	۳۰۰. جست و جو نمی‌کنید (ای مردها)
۳۰۰. جست و جو نمی‌کنید (ای مردها)	۳۰۱. پس بخوانید (ای زن‌ها)
۳۰۱. پس بخوانید (ای زن‌ها)	۳۰۲. نتوانستی (ای زن)
۳۰۲. نتوانستی (ای زن)	۳۰۳. زندگی خواهم کرد
۳۰۳. زندگی خواهم کرد	۳۰۴. فرستاده‌ام
۳۰۴. فرستاده‌ام	۳۰۵. آورد
۳۰۵. آورد	۳۰۶. جاری نمی‌شد
۳۰۶. جاری نمی‌شد	۳۰۷. خالص کردیم
۳۰۷. خالص کردیم	۳۰۸. یاد می‌دهی (ای زن)
۳۰۸. یاد می‌دهی (ای زن)	۳۰۹. یاد نمی‌دهیم
۳۰۹. یاد نمی‌دهیم	۳۱۰. یاد بده
۳۱۰. یاد بده	۳۱۱. یاد ندهید (ای مردها)
۳۱۱. یاد ندهید (ای مردها)	۳۱۲. یاد خواهم داد
۳۱۲. یاد خواهم داد	۳۱۳. به ما یاد داد
۳۱۳. به ما یاد داد	۳۱۴. یاد دادیم
۳۱۴. یاد دادیم	۳۱۵. به ما یاد بده
۳۱۵. به ما یاد بده	۳۱۶. یاد می‌دادند (آن دو زن)
۳۱۶. یاد می‌دادند (آن دو زن)	۳۱۷. یاد خواهید داد (ای زنان)
۳۱۷. یاد خواهید داد (ای زنان)	۳۱۸. یاد می‌دادند (آن زنان)
۳۱۸. یاد می‌دادند (آن زنان)	۳۱۹. ۱۶
۳۱۹. ۱۶	۳۲۰. ۵۷
۳۲۰. ۵۷	۳۲۱. ۱۱
۳۲۱. ۱۱	۳۲۲. ۸۸
۳۲۲. ۸۸	۳۲۳. ۴۹
۳۲۳. ۴۹	۳۲۴. ۱۲۲
۳۲۴. ۱۲۲	۳۲۵. ۲۰۱
۳۲۵. ۲۰۱	۳۲۶. ۱۳۹۹
۳۲۶. ۱۳۹۹	۳۲۷. ۳۰
۳۲۷. ۳۰	۳۲۸. ۱۲۰ برابر است با ۳۶.
۳۲۸. ۱۲۰ برابر است با ۳۶.	۳۲۹. أجری ← ماضی است بقیه گزینه‌ها مضارع هستند.
۳۲۹. أجری ← ماضی است بقیه گزینه‌ها مضارع هستند.	۳۳۰. ثانویه ← عدد نیست (به معنای دبیرستان)، بقیه گزینه‌ها عدد هستند.
۳۳۰. ثانویه ← عدد نیست (به معنای دبیرستان)، بقیه گزینه‌ها عدد هستند.	۳۳۱. الشجرة الثالثة ← عدد و معدود ترتیبی هستند ولی بقیه گزینه‌ها، عدد و معدود اصلی هستند.
۳۳۱. الشجرة الثالثة ← عدد و معدود ترتیبی هستند ولی بقیه گزینه‌ها، عدد و معدود اصلی هستند.	۳۳۲. مثنان ← جزء عقود نیست ولی بقیه، عقود هستند.
۳۳۲. مثنان ← جزء عقود نیست ولی بقیه، عقود هستند.	۳۳۳. الواحد ← عدد اصلی است ولی بقیه ترتیبی هستند.
۳۳۳. الواحد ← عدد اصلی است ولی بقیه ترتیبی هستند.	



۲۸۵. أنتما / س ح ب / انفعال (انسحاب) / ۲
 ۴۸۶. أنت / ع ل م / تَفَعَّل (تَعْلَم) / ۲ / ۵۰۰. گشت (آن مرد)
 ۲۸۷. هُما / ع ج ب / تَفَعَّل (تَعْجَب) / ۲ / ۵۰۱. بجنگید (ای مردان)
 ۲۸۸. أنتن / ش ر ف / تَفَعَّل (تَشْرَف) / ۲ / ۵۰۲. جمع کرد
 ۴۸۹. نشست (آن مرد) / ۵۰۳. جمع شدیم
 ۴۹۰. نشاندم / ۵۰۴. نوشت (آن مرد)
 ۴۹۱. هم نشینی کردی (ای زن) / ۵۰۵. نامه نگاری کرد (آن زن)
 ۴۹۲. خارج شد (آن مرد) / ۵۰۶. راست گفت (آن مرد)
 ۴۹۳. خارج کردید (ای مردان) / ۵۰۷. دوستی کردید (شما دو نفر)
 ۴۹۴. دانش آموخته می شویم / ۵۰۸. باور کن (ای مرد)
 ۴۹۵. استخراج خواهی کرد (ای زن) / ۵۰۹. صدقه می دهید (ای مردان)
 ۴۹۶. پذیرفت (آن مرد) / ۵۱۰. دانست (آن مرد)
 ۴۹۷. روی آورد (آن مرد) / ۵۱۱. یاد نمی دهند (آن زنان)
 ۴۹۸. روبه رو شدند (آن مردان) / ۵۱۲. رسید (آن مرد)
 ۴۹۹. استقبال کردند (آن زنان) / ۵۱۳. رساندید (شما زنان)
 ۵۱۴. تُصَدِّقْ ← آیا باور می کنی که مهاجمی را در دروازه ببینیم؟
 (تُصَادِقُ: دوستی می کنی / تُصَدِّقُ: راست می گویی)
 ۵۱۵. يَسْحَبُ ← موج، ماهی ها را به آسمان می کشد.
 (يَنْسَحِبُ: عقب نشینی می کند)
 ۵۱۶. سَيُعَلِّمُ ← دانش آموزان اخلاق معلم هایشان را خواهند شناخت.
 (سَيُعَلِّمُ: یاد خواهند داد)
 ۵۱۷. يَسْتَعْفِرُونَ ← زنان مؤمن از خداوند به خاطر گناهانشان طلب آمرزش
 می کنند، (تَغْفِرُونَ: می آمرزید (شما زنان))
 ۵۱۸. وَجَدُوا ← دریافتند که همه ماهی ها از یک نوع هستند.
 (أَوْجَدُوا: به وجود آوردند)
 ۵۱۹. تُعَلِّمُ ← فعل است ولی بقیه گزینه ها مصدر هستند.
 ۵۲۰. تُخْرِجُونَ ← فعل مزید است ولی بقیه گزینه ها مجرد هستند.
 ۵۲۱. توَكَّلُ ← مصدر است ولی بقیه گزینه ها فعل هستند.
 ۵۲۲. اِنْتِشَارُ ← از باب اِفتعال است ولی بقیه گزینه ها از باب اِنفعال هستند.
 ۵۲۳. اِسْتِمَاعُ ← از باب اِفتعال است ولی بقیه گزینه ها از باب اِسْتفعال هستند.

پاسخ سؤالات درس «۴»

۵۲۴. پس مرا بپرستید / ۵۲۷. ذِکْر
 ۵۲۵. گرم و صمیمی / ۵۲۸. قُلُوب
 ۵۲۶. آزادی / ۵۲۹. فُقَرَاء
 ۵۲۷. ریسمان، طناب / ۵۴۰. عِبَاد
 ۵۲۸. جلوه گر می شود / ۵۴۱. عُبَاد
 ۵۲۹. یک پنجم / ۵۴۲. جَوَاب
 ۵۳۰. مُزْدَوْر / ۵۴۳. اَوْلِيَاء
 ۵۳۱. سالن / ۵۴۴. مِيَاه
 ۵۳۲. خاطرات / ۵۴۵. رِزْق
 ۵۳۳. خالی می شود / ۵۴۶. مَقَابِر
 ۵۳۴. دندان ها / ۵۴۷. دَقِيقَة
 ۵۳۵. پول ها / ۵۴۸. اَلْف
 ۵۳۶. اَفْعَال / ۵۴۹. ب
۵۵۰. اَلْف
 ۵۵۱. ب
 ۵۵۲. اَلْف
 ۵۵۳. اَلْف
 ۵۵۴. ب
 ۵۵۵. اَلْف
 ۵۵۶. اَلْف
 ۵۵۷. اَلْف
 ۵۵۸. اَلْف
 ۵۵۹. اَلْف
 ۵۶۰. ب
 ۵۶۱. اَلْف
 ۵۶۲. ب

۴۲۳. گمان می کنم که از اتفاق خارج شوی (شود).
 ۴۲۴. بسیار خُب، پس به آنجا برو تا یاد بگیری.
 ۴۲۵. مردم، این پدیده را «باران ماهی» می نامند.
 ۴۲۶. این پدیده، مردم را حیرت زده می کرد.
 ۴۲۷. شاید سالانه رخ بدهد.
 ۴۲۸. پس از آن، زمین با ماهی ها پوشیده می شود.
 ۴۲۹. پس مردم آن ها را برای پختن و خوردنشان، می گیرند.
 ۴۳۰. دانشمندان برای شناخت راز آن پدیده تلاش کردند.
 ۴۳۱. ولی شگفتی در کار، نوع ماهی ها است.
 ۴۳۲. گردباد شدیدی رخ می دهد و ماهی ها را به آسمان می کشد.
 ۴۳۳. وقتی سرعتش را از دست می دهد، روی زمین بی دربی می افتند.
 ۴۳۴. مردم سالانه، در این روز در هندوراس، جشن می گیرند.
 ۴۳۵. آیا بلیط های (کارت های) ورود، دارید؟
 ۴۳۶. همراهان ما چهار نفر هستند؛ پدر و مادرم و دو خواهرم.
 ۴۳۷. ب «لَا تَيَأْسُونَ» فعل مضارع منفی است نه نهی
 ۴۳۸. الف «أَحْسَنُ» در اینجا (تر) می گیرد نه (ترین)
 ۴۳۹. ب «من هم» در گزینه «الف» اضافی و اشتباه است
 ۴۴۰. الف (با توجه به معنای جمله، «ما» در این جا منفی کننده فعل نیست
 و معنای «آن چه» می دهد.)
 ۴۴۱. ب «كَانَ + يَنْتَظِرُ» ← انتظار می کشید (ماضی استمراری)
 ۴۴۲. الف (در گزینه «ب»، «بیدار خواهند شد» که به صورت مستقبل آمده،
 غلط است.)
 ۴۴۳. الف (اصطلاح «مَرْحَبًا بِ» با هر ضمیری به معنای خوش آمدگویی است.)
 ۴۴۴. ب «تَعَلَّمُوا = بیاموزید» / «عَلِّمُوا = آموزش دهید»
 ۴۴۵. ب «لَا تَنْسَحِبُوا = عقب نشینی نکنید»
 ۴۴۶. الف (کلمه «این» در گزینه «ب» اضافی و اشتباه است.)
 ۴۴۷. لطفاً / دستانتان
 ۴۴۸. رودخانه / دریا / مختلفی دارند / ۴۴۹. صبر کن / رها کن
 ۴۵۰. گناهانشان / کردند / گناهان را می آمرزند
 ۴۶۱. نامه هایی / دریافت کردیم
 ۴۶۲. باور نکن
 ۴۶۳. بی دربی سقوط نمی کرد
 ۴۶۴. گمان نکرد
 ۴۶۵. ممکن نیست
 ۴۶۶. پس نگاه کنید (ای زنان)
 ۴۶۷. تا باور نکنیم
 ۴۶۸. مشاهده خواهند کرد
 ۴۶۹. ما را حیرت زده کردی
 ۴۷۰. می بارید (ماضی استمراری)
 ۴۷۱. می شوند (آن مردان)
 ۴۷۲. نفرستادم
 ۴۷۳. نکشید (ای مردان)
 ۴۷۴. جشن بگیرید (شما دو نفر)
 ۴۷۵. می نامند
 ۴۷۶. از دست نمی دهند، از دست نمی دهید (شما دو نفر)
 ۴۷۷. ثلاثي مجرد: يَبْعُدُ، اَنْظُرِي، يَكُونان، نَبْطُ
 ۴۷۸. ثلاثي مزید: تَعْرِفنا، يَخْتَفِلونَ، حَاوِلنَ، يُخَدِثُ
 ۴۷۹. نحنُ / رح م / تَفَاعَل (تَرَاخِم) / ۲ / ۴۸۰. انا / ص د ق / تَفَعَّل (تَصَدَّق) / ۲
 ۴۸۱. أنتِ / ح ف ل / اِفْتَعَال (اِحْتِفَال) / ۲
 ۴۸۲. أنتن / س م ع / اِفْتَعَال (اِسْتِمَاع) / ۲
 ۴۸۳. انا / ك ب ر / اِسْتِفْعَال (اِسْتِكْبَار) / ۳
 ۴۸۴. هُنَّ / ب س م / اِفْتَعَال (اِبْتِسَام) / ۲



نوبت اول

پاسخ آزمون شماره ۱

۱. تصویرها ۲ مهمان نواز
۲. صعود (بالا رفتن) نزول (پایین آمدن) ۳ حَفَلَة (جشن) = مَهْرَجَان (جشن)
۳. ۱ ینبوع (چشمه) ۲ عَمَلَاء (مزدورها)
۴. ۱ سَنَوِيًّا (سالانه) / بِسَلْمِيًّا (مسالمت‌آمیز) / شَهْرِيًّا (ماهانه) / يَوْمِيًّا (روزانه) ۲ الغيم (ابر) / المَطَر (باران) / الثلج (برف) / الوجع (درد)
۵. ۱ پس مردم، ابر سیاه بزرگ رای ملاحظه می‌کنند، ۲ پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست، ۳ خداوند ۹۹ جزء از رحمت را نزد خودش نگه داشت، ۴ جنگل‌های مازندران و طبیعتش واقعاً چقدر زیبا هستند.
۶. الف ۲ ب
۷. ۱ گذر زمان‌ها - استوار ۲ شناخت - ناامید شدند ۳ سینه‌ام - آسان کن
۸. ۱ ننوشتید ۲ آمرزش بخواهید ۳ نامه‌نگاری خواهیم کرد ۴ جست و جو می‌کرد ۵ قطع شد ۶ هم نشینی نکنید (با)
۹. فعل امر: أَحْسِن - فعل مضارع: يَسْتَخْدِمُونَ - فعل ماضی: جالَس - مصدر: اشتراك
۱۰. ۱ يُفَرِّحُونَ ۲ جالَسْنَا ۳ تَفَكَّر
۱۱. ۱ همه کلمات، فعل ماضی هستند به جز (يَعْتَرِف) ۲ همه کلمات، مصدر هستند؛ به جز (أَقْبَل).
۱۲. ۱ اسْتَلَمْنَا ۲ يَخْرُجُ
۱۳. ۱ نَحْنُ ۲ يَرْجِعُونَ ۳ يَوْمًا ۴ سَبْعَةَ
۱۴. ثمانیة و سبعون = ۷۸ = ۱۳ × ۶
۱۵. ۱ ۶:۴۵ ۲ العاشرة و سبع دقائق
- ۱۶.

جمع مذکر سالم مثنای مؤنث جمع مکسر جمع مؤنث سالم

هُمُ الْمُؤْمِنُونَ هَاتَانِ الرَّجُلَانِ هَذِهِ الْأَسْمَاكُ أُولَئِكَ التَّلْمِيذَاتُ

۱۷. ۱ السَّادِسُ ۲ التَّالِثُ

۱۸. ۱ الغيم (ابر) = يُخَارُّ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (بخار متراکمی در آسمان است که از آن باران می‌بارد.) ۲ المِشْمِش (زردآلو) = فَكَيْهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضاً. (میوه‌ای که مردم، خشک شده آن را هم می‌خورند.) ۳ الفُسْتَان (پیراهن زنانه) = مِنَ الْمَلَابِسِ الْبَسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. (از لباس‌های زنانه که دارای رنگ‌های گوناگونی است.) ۴ الصَّف (کلاس) = يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ. (دانش‌آموزان در آن درس می‌خوانند.)

۱۹. ۱ صحیح ۲ غلط

۲۰. حرف: عَلَيَّ / ال / أَن فعل: أَنْ يَتَعَايَشُوا

ترکیب وصفی: تَعَايَشُوا سَلْمِيًّا ترکیب اضافی: كُلِّ النَّاسِ / مَعَ بَعْضِهِمْ

۲۱. مِنْ شِيرَازٍ وَأَنَا بِخَيْرٍ.

۲۲. سؤال: كَمَ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ (تعداد همراهان چند نفر است؟)

جواب: بَسْتَةٌ، وَالِدَايَ وَأَخْوَايَ وَأَخْتَايَ. (۶ نفر، پدر و مادرم و ۲ برادرم و ۲ خواهرم.)

۲۳. گزینه ۴ - (كُنَّا نَشَاهِدُ = مشاهده می‌کردیم)، (وَجَدْنَا الشَّمْسَ مُسْتَعْرَةً = خورشید را فروزان یافتیم)، (عِنْدَمَا = هنگامی که، زمانی که، وقتی که)

۲۴. گزینه ۱ - (التَّلَامِيذُ الْمَرْضَى = دانش‌آموزان بیمار) یک ترکیب وصفی است.

۱۳۰۵. أَنْتِ / قَدْتَفَعَلِينَ / قَدْتَصْنَعِينَ / گاهی ساخته می‌شوی، شاید ساخته بشوی

۱۳۰۶. أَنَا / فَعَلْتُ / جُهِّزْتُ / آماده شدم

۱۳۰۷. فاعل / مضاف الیه / مجرور بحرف جر / مضاف الیه

۱۳۰۸. مبتدا / مضاف الیه / مجرور بحرف جر / خبر

۱۳۰۹. مفعول / مجرور به حرف جر / مضاف الیه

۱۳۱۰. مبتدا / مضاف الیه / خبر / جار و مجرور / صفت

۱۳۱۱. مبتدا / مضاف الیه / خبر / مضاف الیه / مجرور به حرف جر

۱۳۱۲. مبتدا / خبر / مبتدا / خبر / مبتدا / خبر

۱۳۱۳. مبتدا / خبر / مبتدا / خبر

۱۳۱۴. مبتدا / مضاف الیه / خبر / مفعول / مجرور به حرف جر / فاعل / مضاف الیه

۱۳۱۵. اسم الفاعل = الشعراء (الشاعر) / اسم المفعول = ممزوجة، مُلَمَّع

۱۳۱۶. اسم المفعول = مُجَرَّب

۱۳۱۷. اسم الفاعل = حَامِل

۱۳۱۸. اسم الفاعل = عُدَاة (عادی)

۱۳۱۹. اسم المبالغة = غَفَّار / اسم المفعول = مَفْتُوح / اسم الفاعل = طَالِبِينَ

۱۳۲۰. اسم الفاعل = رَازِق / اسم المبالغة = رَزَاق / اسم المفعول = مَرزُوق

۱۳۲۱. اسم المبالغة = عَلَام

۱۳۲۲. اسم المبالغة = أَفَاة

۱۳۲۳. اسم الفاعل = رَاثِرَة / اسم المبالغة = جَوَال

۱۳۲۴. اسم الفاعل = مُفَقِّش، مُسَافِرِينَ

۱۳۲۵. چون فعل مجرد است ← جاهل / نادان

۱۳۲۶. چون فعل مزید است ← مُجَهِّز / آماده‌کننده

۱۳۲۷. چون فعل مزید است ← مُقْنِع / قانع‌کننده

۱۳۲۸. چون فعل مجرد است ← مَشْهُود / دیده شده

۱۳۲۹. چون فعل مزید است ← مُشَاهِد / مشاهده شده

۱۳۳۰. چون فعل مزید است ← مُخْتَرَم / احترام شده

۱۳۳۱. عَلَام، عَلَامَة / بسیار دانا

۱۳۳۲. فَهَام، فَهَامَة / بسیار فهیم

۱۳۳۳. صَبَّار، صَبَّارَة / بسیار شکيبا

۱۳۳۴. چون فعل مزید است ← مُشْرِك / شرک ورزنده

۱۳۳۵. چون فعل مزید است ← مُرَاد / خواسته شده

۱۳۳۶. وَهَاب، وَهَابَة / بسیار بخشنده

۱۳۳۷. سؤال: أتریدین بطاقة الشحن؟ جواب: نَعَمْ، بِالتَّأَكِيد.

۱۳۳۸. سؤال: كَمَ صَارَ الْمَبْلُغُ؟ جواب: خَمْسَةٌ وَعَشْرُونَ.

۱۳۳۹. سؤال: كَيْفَ تَقْدِرُ أَنْ تُبَدِّلَ الْبِطَاقَةَ؟ جواب: أَبَدِّلُهَا بِسَهُولَةٍ.

۱۳۴۰. شاهد ← یک فعل امر است چون مجرور شده ولی بقیه گزینه‌ها اسم

فاعل هستند.

۱۳۴۱. شاهد ← یک اسم فاعل مجرد است ولی بقیه گزینه‌ها اسم فاعل مزید هستند.

۱۳۴۲. مُقَدَّس ← اسم مفعول است ولی بقیه گزینه‌ها اسم فاعل هستند.

۱۳۴۳. سَتَّار ← بر وزن (فَعَال) و اسم مبالغه است ولی بقیه گزینه‌ها بر وزن

(فُعَال) و جمع مکسر هستند.

۱۳۴۴. فَهَامَة ← اسم مبالغه به معنای صفت است ولی بقیه گزینه‌ها اسم

مبالغه به معنای ابزار هستند.



۲۵. گزینه ۴ - در گزینه ۱ (أَنْتِ تَرَحِّمِينَ)، در گزینه ۲ (نَحْنُ لَانْتِظِرُ) و در گزینه ۳ (أَنْتِ تَجْتَهِدِينَ) صحیح هستند.

۲۶. گزینه ۴ - فعل «يُحِبُّ» که در اصل «يُحِبُّ» بوده است، از باب «افعال» است.

پاسخ آزمون شماره ۲ نوبت اول

۱. می‌کشد ۱ درنگ کرد، زندگی کرد
۲. أَنْزَلَ (پایین فرستاد) = رَفَعَ (بالا برد) ۱ رَقَدَ (خوابید) = نَامَ (خوابید)
۳. دُرٌّ (مروارید، گوهر) ۲ أَفْلَامَ (فیلم‌ها)
۴. عَيْنَ (چشمه) يَنْبُوعَ (چشمه) شَاطِئِي (ساحل) مُحِيطَ (اقیانوس) العَشْرُونَ (بیستم) أُولَى (یکم) الواجِدَ (یک) الأُولَ (یکم)
۵. هر گروهی، به خاطر آن چه که دارند، خوشحال هستند. ۱ بفرما، چمدان من برای بازرسی باز است. ۲ باور نمی‌کنیم که ماهی‌هایی را ببینیم که بی‌دری از آسمان می‌افتند. ۳ هفت چیز است که پادشاه آن‌ها برای بنده جاری می‌شود، و او در قبرش است. (در حالی که او در قبرش است).
۶. ۱ ب ۲ ب
۷. ۱ ملت‌های زیاد - زبان‌ها ۲ شما را یاد کنم - شکرگزاری کنید ۳ پاره آتش - به وجود آورد
۸. ۱ ما آماده هستیم ۲ صبر در هنگام خشم ۳ قلم تو چه زیباست ۴ دارای شاخه‌های تروتازه
۹. ۱ طلب آموزش نکردید (شما مردان) ۲ خارج نکن (ای زن) ۳ یاد خواهم داد ۴ برانگیخته بود ۵ چنگ بزنید (ای زنان) ۶ تأکید نکنید (شما دو نفر)
- ۱۰.

فعل	نوع فعل	باب فعل
لَا تَتَعَازَفُونَ	مضارع منفی	تَفَاعُلٌ
لَا تُشْرِكِي	نهی	إِفْعَالٌ
قَدْ اِنْتَبَهْنَا	ماضی (نقلی)	إِفْتِعَالٌ

۱۱. ۱ تَعْتَذِرِينَ ۲ تَكَلَّمٌ
۱۲. ۱ همه کلمات، فعل ماضی هستند، به جز (تَقْبِلُ) که مضارع است. ۲ همه کلمات، مصدر هستند، به جز (تَخْرُجُ) که فعل ماضی از باب «تَفَعُّلٌ» است.
۱۳. ۱ نَسْتَلِمُ ۲ يَتَخَرَّجُ
۱۴. ۱ نَحْنُ ۲ يَرْجِعُونَ ۳ شَهْرًا ۴ اِنْنَا عَشْرٌ
۱۵. ۱ (۹ + ۱۷ = ۲۸) ۲ ستّة و عشرين ۳ (۵ × ۱۷ = ۸۵) ۴ خَمْسَةٌ و ثَمَانِينَ
۱۶. ۱ ۱۰:۱۲ ۲ العاشرة الأربعة
- ۱۷.

جمع مذکر سالم	مثنای مؤنث	جمع مکسر	مفرد مؤنث
أولئك المُرافِقِينَ	هاتين الشجرتين	هؤلاء المُجانينَ	هذه العين

۱۸. ۱ السابع ۲ الأول
۱۹. ۱ الغيم (ابر) = بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. (بخار متراکمی در آسمان است که از آن، باران می‌بارد). ۲ اللَّيْلُ (شب) = الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرِبِ

۲۰. ۱ غلط ۲ غلط

۲۱. ضمیر: بها فعل: تَعْيِشُ ترکیب وصفی: أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ جمع مکسر: أَنْوَاعٌ ۲۲. سؤال: کَمَ عَدَدُ الْمُرافِقِينَ؟ (تعداد همراهان چند نفر است؟) جواب: سِتَّةٌ، وَالِدَايَ وَأَخْوَايَ وَأَخْتَايَ. (۶ نفر، پدر و مادرم و ۲ برادرم و ۲ خواهرم).

پاسخ آزمون شماره ۳ نوبت دوم

۱. سرگردان هستند ۲ ترشح می‌کند
۲. دَفَعٌ (پرداخت کرد) = اِسْتَلَمَ (دریافت کرد) ۳ اِنَازَةٌ (روشن کردن) = اِسْتِعَالَ (روشن کردن)
۳. ۱ رَجُلٌ (پا) سِنٌّ (دندان) ذَنْبٌ (ذم) مَلْفٌ (پرونده) ۲ مُضِيٌّ (نورانی) مَضَى (گذشت) ضِيَاءٌ (روشنایی) ضَوْءٌ (نور)
۴. ۱ عُدَاةٌ (دشمنان) ۲ المَدِينَةَ (شهر)
۵. ۱ این متن چقدر زیباست: اگر استخوان پوسیده‌ام را ببویی، رایحه عشق را می‌یابی. ۲ تو را به خواندن کتابی پیرامون راه‌های تقویت حافظه توصیه می‌کنم، زیرا بسیار فراموشکار هستی. ۳ هدیه‌هایی که مردم آوردند پذیرفته نشد و آن‌ها را نپذیرفت. ۴ جُغَدٌ این نقص را با حرکت دادن سرش در هر جهتی، جبران می‌کند. ۵ آیا می‌دانی که چین، اولین کشوری است که پول‌های کاغذی به کار برد.
۶. ۱ الف ۲ ب
۷. ۱ خواننده شد / گوش فرادهید ۲ بانمکی را / توصیف کردم
۸. ۱ می‌بارید ۲ پراکنده نمی‌شوند ۳ ما را اصلاح نکردند ۴ نازل نشد ۵ جمع شوید ۶ من را بازرسی نکن
۹. ۱ فاعل / مفعول ۲ صفت / جار و مجرور ۳ خبر / مضاف الیه
۱۰. ۱ تَفْعِيلٌ ۲ تَفَعُّلٌ ۳ باب افعال: ۱ حرف زائد ۴ مُتَطَاهِرٌ
۱۱. ۱ ج ۲ ج
۱۲. ۱ اسم الفاعل = الحادّة (بُرندۀ) اسم المفعول = محاصيل: محصول (به دست آمده‌ها) اسم المبالغه = السّيّارة (ماشین)
۱۳. ۱ نون الوقایة: (ن) در سَامِحِيْنِي الفِعْلُ الْمَجْهُولُ: تَوْضَعُ خَبْرٌ: يَقُولُ الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ: لِأَخْتِ / فِي الْجَوَالِ
۱۴. ۱ غلط ۲ غلط
۱۵. ۱ ستّة و ثلاثين (۵۰ درصد از ۲۰ به علاوه ۲۶ مساوی است با ۳۶). ۲ ستّة و سبعين (۱۹ ضربدر ۴ مساوی است با ۷۶).
۱۶. ۱ الشُّكْرُ (شکر کردن) = عَلَيَّ الْإِنْسَانِ أَنْ يَفْعَلَ هَذَا الْعَمَلَ فِي الْمَصَانِبِ. (انسان باید در سستی‌ها (هم) این کار را انجام دهد). ۲ الدُّلْفِينِ (دلفین) = مِنَ الْخَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ. (از حیوانات پستاندار) ۳ الفلّة (بیابان) = فِيهَا لَا تَعْيِشُ نَبَاتَاتٌ كَثِيرَةٌ. (در آن، گیاهان زیادی زندگی نمی‌کنند). ۴ المُفْسِدَانِ (فاسدکارها) = هَذِهِ الصِّفَةُ لِتَأْجُوجٍ وَمَأْجُوجٍ. (این، یک ویژگی برای قوم یا جوج و ماجوج است).